

راههای ارتقای منزلت اجتماعی معلمان

مؤلفان: احد نویدی

عضو هیات علمی پژوهشکده تعلیم و تربیت

محمود برزگر

کارشناس مسؤوّل ارزش‌یابی برنامه‌های درسی سازمان پژوهش

و برنامه‌ریزی آموزشی



معرفی مقاله

نویسندگان مقاله به منظور مطالعه وضع موجود منزلت اجتماعی معلم در شهر تهران و شناسایی راههای ارتقای آن، تعداد ۲۰۰ نفر از معلمان زن و مرد شهر تهران را از پنج منطقه آموزشی به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب و نظرات آنان را به وسیله مقیاس سنجش منزلت اجتماعی معلم جمع‌آوری کردند. هم‌چنین، نظرات ۳۳ نفر از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را که به شیوه غیرتصادفی و بر اساس در دسترس بودن، انتخاب شده بودند، از طریق مصاحبه انفرادی جمع‌آوری کردند. سپس نتایج پژوهش را براساس ترکیب نظرات دو گروه یاد شده

تنظیم کرده و راه‌کارهایی برای انجام اقدام‌های لازم به دست‌اندرکاران پیشنهاد داده‌اند.

نویسندگان، بر مبنای پژوهش خود و سایر شواهد پژوهش موجود نتیجه گرفته‌اند که منزلت اجتماعی معلمان تهران نسبتاً پایین است. معلمان مورد مطالعه منزلت خود را پایین ارزیابی کرده‌اند. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت نیز اعتقاد دارند که معلمان از منزلت اجتماعی شایسته‌ای برخوردار نیستند. در بخش نتیجه‌گیری، مؤلفان راه‌کارهای مناسب برای ارتقای منزلت اجتماعی معلم را به شرح زیر خلاصه کرده‌اند:

۱- ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت از طریق تغییر سیاست‌های کلان کشور در جهت اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت

۲- تأمین امکانات مالی و رفاهی و رفع فقر و محرومیت از زندگانی معلمان

۳- اصلاح شیوه‌های گزینش و تربیت معلم و تلاش برای جذب و پرورش معلمان شایسته و با کفایت

۴- اجرای سیاست تمرکززدایی و فراهم کردن زمینه مشارکت همه جانبه معلمان در آموزش و پرورش

۵- ایجاد تشکل‌های صنفی برای دفاع از حقوق معلمان و حریم تعلیم و تربیت

۶- استقرار انضباط اجتماعی و اقتصادی و

برقراری عدالت اجتماعی

۷- افزایش کارایی نظام آموزش از طریق اصلاح

مدیریت نیروی انسانی و استقرار نظام شایسته

سالاری

۸- سخت‌کوشی و تلاش مسئولان معلمان برای

افزایش دانش، تخصص، انگیزش، مناعت طبع و

سایر صلاحیت‌های حرفه‌ای و در عین حال، پرهیز

آنان از کم‌کاری، فرار از مسئولیت، مظلوم‌نمایی و

تحریک حسن‌ترحم دیگران.

این مقاله توسط آقایان احد نویدی - عضو هیأت

علمی پژوهشکده تعلیم و تربیت - و محمودبرزگر

- کارشناس مسئول سسازمان پژوهش - تنظیم و در

اختیار فصلنامه تعلیم و تربیت قرار داده شده است

که بدین وسیله از نویسندگان محترم تشکر می‌شود.

فصلنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تعلیم و تربیت انسان از بدو پیدایش مورد توجه بوده اما اهمیت آن در قرون اخیر به طور افزایش یافته‌ای آشکار شده است. در حال حاضر، آموزش و پرورش کلید توسعه جوامع محسوب می‌شود و موفقیت و سعادت ملت‌ها به کیفیت تعلیم و تربیت آن‌ها بستگی دارد. "بدون تردید آینده هر کشوری را می‌توان از سیمای کنونی آموزش و پرورش آن دریافت" (غلامی، ۱۳۷۹).

اهمیت تعلیم و تربیت به عوامل آن قابل تعمیم است و در میان عوامل تعلیم و تربیت "معلم" مهم‌ترین عامل تلقی می‌شود. "در حقیقت، هیچ کشوری نمی‌تواند از سطح معلمانش بالاتر رود" (دهقان، ۱۳۷۶).

اگر بخواهیم به یک جامعه متعادل و انسانی برسیم، باید معلم را مورد توجه قرار دهیم (خاتمی، ۱۳۷۶).

مطالب بالا بیانگر نقش حساس معلمان در فزاینده تعلیم و تربیت است. درک حساسیت این نقش و ارزش نهادن بر آن از سوی عموم مردم جامعه، به مفهومی اشاره دارد که در جامعه‌شناسی معادل منزلت اجتماعی^۱ است.

منزلت یا پایگاه اجتماعی، آن‌شان یا مقام و موقعیتی است که برای یک فرد در جامعه قایل‌اند، یا تلقی و ذهنیتی است که دیگران از آن‌چه شخص هست، دارند (نیک‌گهر، ۱۳۶۹؛ به نقل از شعبانی، ۱۳۷۸). پایگاه اجتماعی، ارزشی است که یک گروه در یک نقش می‌نهد (آریانپور، ۱۳۵۶). اگر جامعه را به یک ساختمان تشبیه کنیم و هر فرد یا گروه را در یکی از این طبقات این ساختمان در نظر بگیریم، هر طبقه از این ساختمان که افراد یا گروه‌ها در آن قرار گرفته‌اند، منزلت آن‌ها را نشان می‌دهد. البته، منزلت اجتماعی متغیری فرضی است و پیوندهای بسیاری با افکار عمومی دارد؛ بنابراین، قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست. قرارگرفتن افراد و گروه‌ها در هر یک از مراتب اجتماعی، با توجه به ارزش‌های حاکم از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است؛ زیرا

درجه اهمیت عوامل تعیین‌کننده منزلت اجتماعی (شغل، تحصیلات، دارایی، درآمد، پیشینه خانوادگی، تعلق قومی و نژادی، وابستگی حزبی، دین و...) در جوامع مختلف یکسان نیست.

در این مقاله، موضوع بحث ما نقش معلم و ارزشی است که جامعه برای او قایل می‌شود. ایفای شایسته نقش معلم مستلزم این است که معلمان از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار باشند. با وجود این، شواهد موجود نشان می‌دهد که منزلت اجتماعی معلم به طور فزاینده‌ای کاهش می‌یابد. تنزل سطح اجتماعی حرفه معلمی با کاهش نسبی قدرت خرید در ارتباط است. این واقعیت که فارغ‌التحصیلان پسر تمایل کم‌تری برای ورود به حرفه معلمی نشان می‌دهند، نشانه پایین بودن موقعیت اجتماعی معلمان است. در بعضی کشورها، معلمی بیش‌تر به عنوان حرفه زنان در نظر گرفته می‌شود (مختاری، ۱۳۷۲). پایین بودن منزلت اجتماعی معلم در اکثر کشورهای جهان دیده می‌شود و به همین دلیل، این موضوع محور بحث مجامع و محافل بین‌المللی قرار گرفته است. چهارمین گزارش یونسکو درباره آموزش و پرورش جهان، به بررسی نقش و منزلت اجتماعی معلمان در جهانی که دستخوش تغییرات سریع است، اختصاص دارد. این گزارش به تفصیل، اعتبار اظهاراتی را که به کرات در مورد کاهش منزلت اجتماعی معلمان شنیده می‌شود، مورد تأیید قرار می‌دهد و اشاره می‌کند که ایجاد تغییراتی در حوزه ارتباطات و اطلاعات و نیز برخی سیاست‌های آموزشی رایج و به ظاهر غیر مفروضانه، بر موقعیت معلمان تأثیر منفی می‌گذارد. در این گزارش، به نحو متقاعدکننده‌ای استدلال شده است که آنچه در حال حاضر در اکثر کشورها از معلمان انتظار می‌رود، با پاداش‌ها و حقوقی که دریافت می‌کنند، تناسبی ندارد. (آنتون دی‌گراو، ۱۹۹۸). این وضع، جامعه جهانی را که پنجاه و هفت میلیون معلم در آن مشغول به کارند، نگران

کرده و به همین دلیل، تلاش‌هایی برای مطالعه و معرفی راههای ارتقای منزلت اجتماعی معلمان آغاز شده است.

بیان مسأله و ضرورت انجام پژوهش

سرنوشت نزدیک به $\frac{1}{3}$ جمعیت کشور (حدود ۱۹ میلیون دانش‌آموز)، به عملکرد معلمان - که عاملان اصلی اجرای برنامه‌های مدون آموزش و پرورش‌اند - گره خورده است. معلمان در فرایند آموزش و پرورش نقش کلیدی دارند و به قول پیازنه روان‌شناس نامدار معاصر، زیباترین طرح اصلاح و بازسازی نظام آموزشی در صورتی که معلم به تعداد کافی و با کیفیت مطلوب در اختیار نباشد، با شکست روبه‌رو خواهد شد (صافی، ۱۳۷۶). برای این‌که معلمان، به عنوان رکن اصلی آموزش و پرورش، بتوانند نقش خود را در فرایند تعلیم و تربیت به درستی ایفا کنند، باید از منزلت و موقعیت اجتماعی شایسته‌ای برخوردار باشند. اگر باور عمومی بر این باشد که "بهترین‌ها، بهترین‌ها را می‌سازند" به منزلت معلمان بیش‌تر توجه خواهد شد و تلاش و کوشش جهت احیای منزلت اجتماعی معلمان اهمیت فوق‌العاده‌ای خواهد یافت.

معلمی که از منزلت اجتماعی و الایی برخوردار است، می‌تواند الگویی مطلوب برای دانش‌آموزان باشد. بر اساس مطالعات انجام شده، در کشورهای که از نظر آموزش و پرورش پیشرفته‌اند، معلمان از منزلت بالایی برخوردارند، شمار داوطلبان این حرفه از بسیاری مشاغل دیگر بیش‌تر است. ژاپنی‌ها اعتقاد دارند که "شایستگی نظام آموزشی به اندازه شایستگی معلمان آن است" (امین و رزلی، ۱۳۷۹). تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً در همه کشورهای

اروپایی، معلمان به رغم دریافت حقوقی معادل یک کارگر نیمه‌ماهر از منزلت اجتماعی بالایی برخوردارند (براهنسی، ۱۳۵۴).

در متون و منابع اسلامی و ملی، اعم از سخنان انبیا، بزرگان دین و اشعار شاعران، شواهد متعددی دربارهٔ ضرورت بزرگداشت، احترام و ارتقای جایگاه و منزلت معلم به چشم می‌خورد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: "من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً". با توجه به آنچه در مقدمه بیان شد، به نظر می‌رسد که معلمان در جامعه ما باید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشند. با این حال، با مطالعهٔ برخی منابع و نوشته‌ها و هم‌چنین شواهد موجود در می‌یابیم که معلمان احترام و منزلت شایستهٔ خود را نزد دانش‌آموزان، اولیا، صاحبان مشاغل مختلف و عامهٔ مردم تا حدودی از دست داده‌اند؛ به طوری که نگاه ترخم‌آمیز به معلمان به صورت امری طبیعی درآمده است. در حال حاضر، عده‌ای از معلمان نه تنها به شغل خود افتخار نمی‌کنند بلکه معلم بودن به آن‌ها احساس سرشکستگی می‌دهد. هم‌چنین، این نگرش در جامعه ایجاد شده است که اغلب افرادی که به حرفهٔ معلمی روی می‌آورند، در تصدی مشاغل دیگر توفیقی نیافته یا سرمایه‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری نداشته‌اند. در چنین شرایطی، منفی بودن نگرش نسل جوان به شغل معلمی چندان تعجب‌آور نیست.

اگرچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای تجلیل از مقام معلم کارهایی نظیر نام‌گذاری یک روز به نام معلم، انتخاب و معرفی معلمان نمونه و قدردانی از آن‌ها و... انجام شده است اما این‌گونه اقدام‌ها نیز در ارتقای مقام معلم چندان مؤثر نبوده‌اند و چنین به نظر می‌رسد معلمان هنوز هم از شأن و منزلت بایسته و شایسته‌ای برخوردار نیستند و حتی منزلت اجتماعی انسان به طور فزاینده‌ای تنزل می‌یابد. این وضع سبب روی‌گردانی افراد باهوش و مستعد از حرفهٔ معلمی، افت کیفیت آموزشی و ناکامی نظام آموزشی در پرورش محصول

مناسب می‌شود؛ بنابراین، می‌توان گفت که بزرگداشت معلمان و شناسایی راه‌کارهای کارآمد جهت اعتلای منزلت آنان، به اندازه خود تعلیم و تربیت اهمیت دارد. سؤالی که در این جا پیش می‌آید این است که برای تحقق بخشیدن به هدف یاد شده کدام شیوه‌ها کارآمد و مناسب‌اند. به عبارتی، چه باید کرد تا معلم "قدر بیند و بر صدر نشیند". بر این اساس، وجود ابهام درباره راه‌کارهای مؤثر و مناسب برای بالا بردن شأن معلمان، مسأله اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. انتظار می‌رود که با انجام پذیرفتن این پژوهش، شیوه‌ها و راه‌کارهای مؤثر جهت ارتقای منزلت عنصر کلیدی آموزش و پرورش (معلم) شناسایی و معرفی شوند و این امر و به بهبود کیفی تعلیم و تربیت در کشور منجر گردد.

هدف‌های پژوهش

مطالعه و شناسایی راه‌کارهای مناسب برای ارتقای منزلت اجتماعی معلم، هدف اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. هدف‌های ویژه تحقیق در سؤال‌های پژوهش مستترند.

سؤال‌های پژوهش

- ۱- معلمان تهران از لحاظ اجتماعی در چه جایگاهی واقع شده‌اند؟ آیا منزلت اجتماعی معلمان تهران واقعاً پایین است؟ دلایل و شواهد ناظر بر پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان کدام‌اند؟
- ۲- آیا تغییر سیاست‌های کلان کشور در جهت اهمیت دادن به توسعه منابع انسانی و اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت، می‌تواند منزلت اجتماعی معلمان را ارتقا دهد؟

۳- آیا منزلت اجتماعی معلمان از حقوق و مزایای آنان متأثر می‌شود؟ آیا می‌توان از طریق افزایش حقوق و دستمزد، فراهم کردن امکانات رفاهی و رفع فقر و محرومیت از زندگی معلمان، منزلت اجتماعی آنان را ارتقا داد؟

۴- آیا شأن و منزلت اجتماعی معلمان، از وضع موجود گزینش و تربیت معلم متأثر می‌شود چگونه؟

۵- آیا اجرای سیاست تمرکززدایی و استفاده از راهکار مشارکت همه جانبه معلمان در آموزش و پرورش و توسعه نقش معلمان می‌تواند به ارتقای منزلت اجتماعی معلم کمک کند؟

۶- آیا ایجاد تشکل‌های صنفی در میان معلمان برای دفاع از حقوق صنفی آنان و حریم تعلیم و تربیت می‌تواند شأن معلمان را در جامعه ارتقا دهد؟

۷- آیا بی‌نظمی‌های اجتماعی و اقتصادی، در پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان مؤثرند؟ آیا استقرار انضباط اجتماعی و اقتصادی در جامعه می‌تواند به ارتقای منزلت اجتماعی معلم کمک می‌کند؟

۸- آیا اصلاح مدیریت نیروی انسانی (ارزش‌یابی دقیق از عملکرد معلمان، اعمال انضباط شایسته، توزیع عادلانه فرصت‌ها و...) می‌تواند منزلت اجتماعی معلم را ارتقا دهد؟

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر که با توجه به ماهیت، هدف، سؤال‌های تحقیق و وسعت امکانات اجرایی انتخاب شده، زمینه‌یابی است. برای انجام این تحقیق، ابتدا نمونه‌ای از معلمان شهر تهران انتخاب شد و نظریات آنان درباره منزلت اجتماعی معلم و راههای ارتقای آن، از طریق پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری گردید. علاوه بر این، نظریات، تعدادی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت از طریق مصاحبه انفرادی گردآوری شد. داده‌های کمی با استفاده از روش‌های آمار

توصیفی (محاسبه درصد فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد، تشکیل جداول فراوانی) پردازش شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران نیز با استفاده از روش‌های ناظر بر مطالعات کیفی (طبقه‌بندی، تلخیص و ترکیب) تجزیه و تحلیل شد. در این بخش، روش انجام تحقیق شامل جامعه آماری، نمونه آماری، شیوه نمونه‌گیری، ابزارهای تحقیق، شیوه جمع‌آوری داده‌ها و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها به تفصیل بیان شده است.

جامعه آماری و منابع داده‌ها^۱

معلمان، مدیران و معاونان واحدهای آموزشی مناطق نوزده‌گانه آموزش و پرورش شهر تهران، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. منابع داده‌ها شامل مدیران، معاونان و معلمان شاغل در واحدهای آموزشی شهر تهران، صاحب‌نظران تعلیم و تربیت (کارشناسان ارشد آموزش و پرورش و استادان دانشگاه) و اسناد و مدارک علمی بوده است.

نمونه آماری

الف- حجم نمونه:

تعداد ۲۰۰ نفر از معلمان، مدیران و معاونان واحدهای آموزشی از مناطق آموزش و پرورش شهر تهران و ۳۳ نفر از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت انتخاب شدند و مورد مطالعه قرار گرفتند.

۱- در این زمینه‌یابی، برای توصیف وضع موجود و شناسایی راههای ارتقای منزلت اجتماعی معلم از روش متفاوت جمع‌آوری داده‌ها یعنی روش triangulation (مثلی کردن) استفاده شده است.

ب- شیوه نمونه‌گیری:

نمونه آماری به شیوه تصادفی طبقه‌ای، در چند مرحله به شرح زیر انتخاب شد.

۱- مناطق نوزده‌گانه شهر تهران به پنج ناحیه جغرافیایی (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم شد و از هر ناحیه یک منطقه به طور تصادفی انتخاب گردید. مناطق منتخب شامل مناطق ۳، ۱۷، ۱۳، ۵ و ۱۱ بود.

۲- از هر یک از مناطق منتخب، شش واحد آموزشی (یک واحد آموزشی پسرانه و یک واحد آموزشی دخترانه از هر دوره تحصیلی) از روی فهرست مدارس به طور تصادفی انتخاب شد.

۳- از هر واحد آموزشی منتخب، ۶ تا ۷ نفر از کارکنان آموزشی به صورت تصادفی انتخاب شدند و به پرسش‌نامه تحقیق پاسخ دادند.

برای انتخاب صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، از شیوه غیرتصادفی استفاده شد. این افراد براساس تشخیص محقق و همکاران انتخاب شدند و در جریان یک مصاحبه انفرادی، به پرسش‌های مصاحبه‌گر پاسخ گفتند.

داده‌های مورد نیاز

۱- نظریات افراد و گروه‌های نمونه آماری شامل معلمان، مدیران و معاونان واحدهای آموزشی مناطق نوزده‌گانه آموزش و پرورش شهر تهران.

۲- نظریات صاحب‌نظران تعلیم و تربیت (استادان دانشگاه، کارشناسان ارشد آموزش و پرورش)

۳- نظریات و اندیشه‌های بیان شده در منابع و گزارش‌های علمی و رسمی و سایر اسناد و مدارک درباره موضوع مورد نظر.

ابزارها و شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها

به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، از پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده

الف- پرسش‌نامه محقق ساخته (مقیاس سنجش منزلت اجتماعی معلم و راههای ارتقای آن)

برای ارزیابی وضع موجود منزلت اجتماعی معلم و شناسایی راههای ارتقای آن، پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر سه بخش تدوین شد. در بخش مقدماتی، افراد برای تکمیل پرسشنامه راهنمایی شده‌اند. در بخش دوم، تعداد ۲۰ سؤال به کسب اطلاع از ویژگی‌های اجتماعی و حرفه‌ای پاسخ‌گویان و یک سؤال به آگاهی از باورداشت آنان درباره مشاغل دارای منزلت اجتماعی بالا اختصاص یافته است. در بخش سوم، تعداد ۴۰ سؤال به مطالعه وضع موجود منزلت اجتماعی معلم و راههای ارتقای آن اختصاص داده شده است. این ۴۰ سؤال در شش حیطه، به شرح جدول شماره ۱ طبقه‌بندی گردیده‌اند.

لازم به توضیح است که تعداد سؤال‌های بخش سوم پرسش‌نامه، در مرحله مقدماتی ۶۰ سؤال بود که بعد از انجام پذیرفتن مطالعه مقدماتی، با نظر تعدادی از متخصصان مربوط ۲۰ سؤال آن حذف شد و پرسش‌نامه در شکل نهایی با ۴۰ سؤال ارائه گردید. مقیاس اندازه‌گیری پرسش‌نامه در واقع مقیاس طبقه‌ای است ولی برای رعایت دقت بیشتر به شکل مقیاس رتبه‌ای و به روش لیکرت تنظیم شده است. پاسخ‌گویان می‌توانند میزان موفقیت خود را درباره هر گویه، بر روی یک مقیاس چهار درجه‌ای رتبه‌بندی کنند.

جدول شماره ۱- مواد پرریش نامه معلم به تفکیک شش حیطه

شماره	عنوان حیطه	شماره و محتوای گویه
۱	منزلت اجتماعی واقعی معلم از دیدگاه خود معلمان	<p>۱- در جامعه ما احترام و محبوبیت معلمان در بین مردم، بیش‌تر از دارندگان مشاغل دیگر است.</p> <p>۲- با داشتن شغل معلمی، از زندگی افتخارآمیزی برخوردار شده‌ام.</p> <p>۳- به شغل معلمی علاقه‌مندم.</p> <p>۴- از شغل خود رضایت دارم.</p> <p>۵- شغل معلمی را برای فرزندان خود مناسب می‌دانم.</p> <p>۶- در جامعه ما، معلمی یکی از مشاغل مهم و باارزش تلقی می‌شود.</p> <p>۷- اشتغال من در شغل معلمی کاملاً اختیاری و همراه با تمایل درونی است.</p> <p>۸- حقوق و مزایای دریافتی من، برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی کافی است.</p> <p>۹- حقوق و مزایای معلمان از کارکنان همتای آنان در سایر سازمان‌ها و مؤسسات دولتی بیش‌تر است.</p> <p>۱۰- در مجموع، مقام و موقعیت معلمان ایران در مقایسه با معلمان سایر کشورها بالاتر است.</p> <p>۱۱- روی هم رفته، موقعیت اجتماعی معلمان نسبت به دارندگان مشاغل دیگر بالاتر است.</p>
۲	ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت از طریق تغییر سیاست‌های کلان کشور	<p>۱۲- اولویت دادن به تعلیم و تربیت در جامعه ما می‌تواند منزلت اجتماعی معلمان را ارتقا دهد.</p> <p>۱۳- اهمیت دادن به منابع انسانی توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه کشور می‌تواند به ارتقای جایگاه معلمان منجر شود.</p> <p>۱۴- توجیه منطقی و روشن کردن نتایج کار معلمان برای جامعه، موجب بالا رفتن شأن آنان می‌شود.</p> <p>۱۵- تبیین و توجیه اهمیت نقش معلم در توسعه تکنولوژی و فن آوری می‌تواند در ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان مؤثر واقع شود.</p> <p>۱۶- پرداخت بهای ملموس (هزینهٔ ریالی) برای آموزش و پرورش توسط مردم، در ارتقای موقعیت اجتماعی معلمان مؤثر است.</p> <p>۱۷- اصلاح این‌نگرش و تصور غلط که "آموزش و پرورش صرفاً مصرف‌کننده است و درآمدزا نیست" می‌تواند موقعیت اجتماعی معلمان را ارتقا دهد.</p>

ادامه جدول شماره ۱- مواد پرسش‌نامه معلم به تفکیک شش حیطه

شماره و محتوای گویه	عنوان حیطه	ردیف
<p>۱۸- ایجاد تشکیلات صنفی برای دفاع از حقوق معلمان، می‌تواند در ارتقای پایگاه اجتماعی آنان مؤثر واقع شود.</p> <p>۱۹- اجتناب کردن از کمک‌ها و حمایت‌های ترحم‌آمیز می‌تواند در ارتقای موقعیت معلمان سهم داشته باشد.</p> <p>۲۰- تأمین امنیت شغلی می‌تواند در ارتقای منزلت اجتماعی معلمان نقش مؤثر داشته باشد.</p> <p>۲۱- تأمین مسکن برای معلمان، در ارتقای شأن و منزلت آنان مؤثر است.</p> <p>۲۲- افزایش حقوق و مزایای معلمان، در ارتقای منزلت آنان مؤثر است.</p> <p>۲۳- التزام عملی به قانون نظام هماهنگ پرداخت، در سازمان‌های دولتی می‌تواند در ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان مؤثر واقع شود.</p> <p>۲۴- توزیع عادلانه درآمدها و فرصت‌ها (برقراری عدالت اجتماعی) می‌تواند موقعیت اجتماعی معلمان را ارتقا دهد.</p>	تأمین امکانات رفاهی و رفع فقر و محرومیت از زندگی معلمان	۳
<p>۲۵- اعمال انضباط شایسته (ایجاد رابطه روشن بین پادشاه‌ها و علمکرد معلمان) می‌تواند در ارتقای منزلت آنان مؤثر باشد.</p> <p>۲۶- استفاده مناسب از منابع موجود و اعمال مدیریت صحیح در نظام تعلیم و تربیت می‌تواند موقعیت اجتماعی معلمان را ارتقا بخشد.</p> <p>۲۷- پرهیز از اعمال تبعیض بین معلمان و انجام رفتار عادلانه می‌تواند شأن معلمان را در جامعه بالاتر ببرد.</p> <p>۲۸- ارزش‌یابی دقیق از عملکرد معلمان و تقویت شایستگیان می‌تواند منزلت اجتماعی معلمان را ارتقا بخشد.</p> <p>۲۹- فراهم کردن امکانات و تجهیزات آموزشی مناسب و کافی، می‌تواند اثربخشی معلم را افزایش دهد و در ارتقای منزلت او مؤثر باشد.</p> <p>۳۰- کارایی بیشتر نظام آموزش و پرورش در ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان مؤثر است.</p>	افزایش کارایی نظام آموزشی از طریق اصلاح مدیریت نیروی انسانی	۴
<p>۳۱- توجه دادن معلمان به مزایا و سرمایه‌های غیرمشهود شغل معلمی، می‌تواند منزلت اجتماعی آنان را ارتقا دهد.</p> <p>۳۲- اتخاذ سیاست‌ها و شیوه‌ها معقول و مناسب برای جذب نیروهای شایسته به شغل معلمی می‌تواند پایگاه و موقعیت اجتماعی معلمان را ارتقا بخشد.</p>	اصلاح شیوه‌های تأمین و تربیت معلم (اصلاح گزینش و ارتقای کیفیت تربیت معلم)	۵

ادامه جدول شماره ۱- مواد پرسش‌نامه معلم به تفکیک شش حیطه

شماره و محتوای گویه	عنوان حیطه	ردیف
۳۳- برخورداری معلمان از دانش و تخصص کافی می‌تواند منزلت آنان را در جامعه ارتقا دهد.		
۳۴- با ارتقای کیفیت برنامه‌های تربیت معلم، می‌توان موقعیت اجتماعی معلمان را بهبود بخشید.		
۳۵- ایجاد خودپنداره مثبت و تقویت خودباوری معلمان می‌تواند در ارتقای شأن آنان مؤثر باشد.		
۳۶- اعمال سیاست مدرسه محوری و به رسمیت شناختن نقش کلیدی معلم، می‌تواند شأن معلم را در جامعه بالا ببرد.	۶ اعمال سیاست مشارکت معلمان (توسعه مسؤلیت‌ها و نقش معلمان) در آموزش و پرورش	
۳۷- انتخاب مسؤولان بالاتر (مدیران مدارس و روسای مناطق آموزشی) توسط معلمان، می‌تواند موقعیت آنان را در جامعه ارتقا دهد.		
۳۸- مشارکت معلمان در تدوین برنامه‌های آموزشی و پرورشی می‌تواند موقعیت اجتماعی آنان را ارتقا دهد.		
۳۹- در صورتی که معلمان بتوانند به رسالت خود به طور کامل عمل کنند، منزلت اجتماعی آنان بالاتر خواهد رفت.		
۴۰- سخت‌کوشی معلمان و اثر بخش بودن آنان، می‌تواند موجب ارتقای منزلت اجتماعی معلمان شود.		

روایی پرسش‌نامه

به منظور کسب اطمینان لازم از روایی پرسش‌نامه، از نظریات متخصصان مربوط استفاده شد. ناظر طرح و دو نفر از افراد صاحب‌نظر در زمینه روان‌سنجی، پرسش‌نامه موردنظر را برای مطالعه منزلت اجتماعی معلم مناسب ارزیابی کردند.

پایایی پرسش‌نامه

برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از روش بازآزمایی استفاده شد. پرسش‌نامه بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان ضمن خدمت فرهنگیان با فاصله یک هفته به اجرا در آمد و ضریب پایایی آن محاسبه شد که برابر با ۸۴ درصد بود.

ب- مصاحبه

نظریات و اندیشه‌های صاحب‌نظران تعلیم و تربیت درباره‌ی وضع موجود منزلت اجتماعی معلم و راههای ارتقای آن از طریق مصاحبه‌ی انفرادی گردآوری شد. شکل مصاحبه نسبتاً آزاد بود؛ هرچند که محورهای آن قبلاً تعیین شده بود. در جریان مصاحبه، مصاحبه‌کننده تلاش می‌کرد به عمق ذهن مصاحبه‌شونده نفوذ کند و افکار اصلی او را دریابد. نمونه‌ای از فرم مصاحبه با صاحب‌نظران در بخش پیوست‌ها ارائه شده است.

ضرورت و اهمیت مصاحبه با صاحب‌نظران

پیش فرض ما این است که صاحب‌نظران تعلیم و تربیت درباره پدیده‌های مربوط به تعلیم و تربیت - از جمله منزلت اجتماعی معلمان - شناختی نسبتاً درست است. این پیش فرض به دلایل زیر قابل توجیه است.

۱- مشاهدات و دریافت‌های صاحب‌نظران تعلیم و تربیت - به دلیل داشتن بینش علمی - کم‌تر از دیگران به خطاها و اشتباهات آلوده شده است؛ بنابراین، اختلاف بین پدیده‌های مربوط به یک رشته و ادراکات و ساخت‌های شناختی متخصصان آن رشته می‌تواند ناچیز باشد.

۲- صاحب‌نظران تعلیم و تربیت ضمن دقت در کسب تجارب و مشاهده واقعیت‌ها، یافته‌ها و اندیشه‌های متفکران دیگر را از طریق مطالعه آثار علمی آنان کسب کرده‌اند و چه بسا اندیشه‌های خود را از راه تفکر درباره آثار علمی دیگران پالایش داده و افکار غیرمنطقی و نامعتبر خود را کنار گذاشته‌اند.

۳- صاحب‌نظران تعلیم و تربیت پژوهش‌ها و آثار علمی مکتوب (ادبیات مربوط) درباره منزلت اجتماعی معلمان را مطالعه کرده‌اند. حتی ممکن است بارها درباره این موضوع، به بحث و تبادل نظر پرداخته باشند و افکار آنان از این راه به واقعیت‌ها نزدیک شده باشد.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. چنان که قبلاً اشاره شد، معلمان مورد مطالعه میزان موافقت خود را درباره هر گویه، بر روی یک مقیاس چهار درجه‌ای (خیلی موافق، موافق، مخالفت، خیلی مخالف) رتبه‌بندی کردند. در هنگام استخراج داده‌ها، رتبه‌بندی هر فرد برای هر کدام از شش حیطه، مطابق روش لیکرت ادغام شد و مجموع نمره‌های آن فرد به دست آمد. بعد از این که مجموع نمره‌های هر فرد به تفکیک شش حیطه به دست آمد، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های افراد برای هر حیطه محاسبه شد. در نهایت، فراوانی افرادی که نمره آنان از میانگین منهای یک انحراف استاندارد ($X > X - S$) بیش‌تر بود، تعیین، و آن‌ها به عنوان افراد موافق با مفاد حیطه مورد نظر، در نظر گرفته شدند. سپس، فراوانی افراد موفق با هر حیطه محاسبه شد و درصد فراوانی به دست آمد. این فراوانی‌ها به همراه درصد آن‌ها در جداول فراوانی ارایه شد؛ بنابراین، نتایج تحقیق بر اساس درصدهای محاسبه شده برای هر حیطه استخراج شده و در تهیه پاسخ به سؤال‌های پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته است. البته، برای پاسخ‌دادن به بعضی سؤال‌های پژوهشی، از یک ماده انفرادی از پرسش‌نامه استفاده شده است.

داده‌های حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، بر اساس روش‌های ناظر بر مطالعات کیفی طبقه‌بندی، تلخیص و ترکیب شد. در جمع‌بندی و ترکیب نتایج کلی پژوهش همخوانی اطلاعات حاصل از مصاحبه و پرسش‌نامه معلمان مورد توجه بوده است؛ بنابراین، یافته‌های پژوهش به وسیله دو منبع حمایت شده‌اند و از روایی بیش‌تری برخوردارند.

یافته‌های تحقیق، بحث و نتیجه‌گیری

از یافته‌های این پژوهش و شواهد پژوهشی دیگر که در این مقاله به آن‌ها استناد شده است، چنین استنباط می‌شود که منزلت اجتماعی معلم در کشور ما - به ویژه در شهر تهران - نسبتاً پایین است و پیش‌بینی می‌شود که با ادامه شرایط موجود، مقام معلم باز هم تنزل پیدا کند. البته، هنوز مردم ما جایگاه رفیع معلم در تاریخ گذشته ایران را فراموش نکرده‌اند. هنوز، بسیاری از مردم کشور ما، معلمان خود را افرادی فداکار و دانشمند می‌دانند. هر چند که نامطلوب بودن وضع رفاهی معلمان و تعدادی عوامل دیگر، در افت منزلت اجتماعی معلم مؤثر واقع شده‌اند اما هنوز جنبه معنوی شغل معلمی از این شغل حمایت می‌کند. چنان که معلمان درباره جایگاه خود در جامعه، احساس دوگانه‌ای دارند؛ یعنی، وقتی جنبه مالی را در نظر می‌گیرند، ارزش شغل خود را پایین ارزیابی می‌کنند ولی هنگام توجه جنبه معنوی، قدر و منزلت خود را بالاتر از دارندگان همه مشاغل می‌دانند. با این حال، وجود ناهماهنگی بین جنبه‌های مادی و معنوی شغل معلمی، واقعیتی تلخ و عاملی تهدیدکننده برای نظام تعلیم و تربیت و کل نظام اداری کشور محسوب می‌شود. پندار منفی معلمان درباره منزلت خود علاوه بر این که بازتاب ارزیابی‌های دیگران و منعکس کننده بخشی از واقعیت‌های موجود است، به خودی خود می‌تواند مشکل‌آفرین و خطرناک باشد.

البته، نباید از نظر دور داشت که خود معلمان در به وجود آمدن این وضع دخالت دارند و طبعاً می‌توانند در تغییر شرایط موجود نیز مؤثر واقع شوند. آنان باید باور داشته باشند که سخت‌کوشی و تلاش برای افزایش دانش و تخصص، احساس مسئولیت و فداکاری و به طور کلی ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای، حس قدردانی مردم را تحریک و وجدان عمومی را بیدار می‌کند و

این آرزویی است که هرگز با گلابیه، مظلوم‌نمایی و کم‌کاری به واقعیت نخواهد پیوست.

از طرف دیگر، مؤولان کشور باید به هوش باشند و بدانند که تحلیل از مفهوم انتزاعی معلم و غفلت از مصادیق این مفهوم عملاً بی‌فایده است. نگاهها نیازمند تغییرند و نیازهای عصر حاضر با حواس گذشته قابل درک نیست. هم‌اکنون در سیاست‌های کلان کشور، اولویت تعلیم و تربیت دیده نمی‌شود. کارایی دستگاه تعلیم و تربیت روز به روز کاهش می‌یابد. مشارکت معلمان در آموزش و پرورش بسیار ناچیز است. مدیریت آموزش و پرورش، در زمینه نیروی انسانی مشکلات متعددی دارد. آموزش و پرورش برای افراد مستعد و علاقه‌مند جاذبه‌ای ندارد. ضوابط و شیوه‌های گزینش معلم، عملاً نتوانسته است افراد مناسب را جذب آموزش و پرورش کند.

ارزیابی منزلت اجتماعی معلمان تهران

بنا بر شواهد پژوهشی موجود (برای مثال، کاردان، ۱۳۵۴؛ خزایی، ۱۳۷۹؛ پناهی ۱۳۷۳؛ حضرتی، ۱۳۷۹؛ قره‌آغاجی و همکاران، ۱۳۶۷؛ مختاری، ۱۳۷۲؛ یاری، ۱۳۷۵؛ رضوی اسکندانی، ۱۳۷۳، به نقل از جی‌واد، ۱۳۷۴؛ ابیضی، ۱۳۷۶) معلمان ایران نسبت به دارندگان مشاغل دیگر، منزلت اجتماعی پایین‌تری دارند. یافته‌های پژوهش حاضر از این نظر حمایت می‌کند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۶۳/۹۳ درصد نمونه مورد مطالعه، منزلت اجتماعی معلمان را نسبت به دارندگان مشاغل دیگر پایین ارزیابی کرده‌اند. حدود ۵۵ درصد از معلمان مورد مطالعه معتقدند که در جامعه ما معلمی شغلی مهم و با ارزش تلقی نمی‌شود و ۵۸/۴۷ درصد افراد نمونه بیان کرده‌اند که شغل معلمی را برای فرزندان خود مناسب نمی‌دانند. البته با افزایش شاخص‌های منزلت اجتماعی، نظریات قدری تعدیل می‌شود؛ برای مثال، وقتی یازده سؤال به ارزیابی منزلت اجتماعی معلمان اختصاص یافت و پاسخ‌های افراد نمونه

آماري به این یازده سؤال با هم ادغام شد، فراوانی افرادی که موافق پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان بودند کاهش یافت. یعنی، تنها ۲۳/۷۱ درصد افراد مورد مطالعه اعتقاد داشتند که معلمان از جنبه‌های مختلف پایین‌تر از دارندگان مشاغل دیگرند. این نتایج در جدول شماره ۲ خلاصه شده است.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی نظریات افراد نمونه آماری و تفکیک چند ماده از مواد پرسش‌نامه

شماره گویه‌ها	محتوای گویه‌ها	تعداد افراد نمونه آماری	تعداد افراد مخالف	درصد افراد مخالف
۱ تا ۱۱	معلمان از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردارند.	۱۹۶	۴۶	۲۳/۷۱
۱۰	در مجموع، مقام و موقعیت اجتماعی معلمان نسبت به دارندگان مشاغل دیگر بالاتر است.	۱۸۳	۱۱۷	۶۳/۹۳
۶	در جامعه ما معلمی یکی از مشاغل مهم و باارزش تلقی می‌شود.	۱۸۷	۱۰۳	۵۵/۰۸
۵	شغل معلمی را برای فرزندان خود مناسب می‌دانم.	۱۸۳	۱۰۷	۵۸/۴۷

مطالعهٔ مجموع نظریات معلمان مورد مطالعه این استنباط را به دست می‌دهد که شغل معلمی منزلت اجتماعی بالایی ندارد. یا حداقل، پندار معلمان دربارهٔ شغل خودشان چندان مثبت نیست. نتیجهٔ دیگری نیز به دست آمده است که از این نظر حمایت می‌کنند. در بخش مقدماتی پرسش‌نامه، از معلمان خواسته شده بود که عنوان سه شغلی را که در جامعه مسا منزلت بالاتری دارند، ذکر کنند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تنها حدود ۱۲ درصد افراد مورد مطالعه شغل معلمی را به عنوان یکی از مشاغل دارای منزلت اجتماعی بالاتر ذکر کرده‌اند. مشاغل دارای منزلت اجتماعی بالاتر از دیدگاه نمونه آماری در جدول شماره ۳ ارایه شده است. اطلاعات خلاصه شده در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که

شغل پزشکی در رتبه اول قرار دارد و بعد از آن، مشاغل آزاد، مهندسی و معلمی واقع شده‌اند. به استناد این نتایج، می‌توان گفت که شغل معلمی نسبت به بعضی مشاغل منزلت اجتماعی بالایی ندارد. با وجود این، جنبه‌های معنوی آن هنوز از این شغل حمایت می‌کنند؛ به طوری که حداقل تعدادی از معلمان آن را دارای منزلت اجتماعی متوسط یا بالا می‌دانند.

جدول شماره ۳- مشاغل دارای منزلت اجتماعی بالا از

دیدگاه معلمان مورد مطالعه

رتبه	فراوانی	عنوان شغل	فراوانی (F)	درصد فراوانی (P)
اول	بزشکی	۱۰۶	۲۶/۵۷	
دوم	آزاد (تجارت و ...)	۷۵	۱۸/۷۹	
سوم	مهندسی	۵۸	۱۴/۵۴	
چهارم	معلمی	۴۷	۱۱/۷۸	
پنجم	دانشگاهی و قضاوت	۴۶	۱۱/۵۳	
ششم	سایر مشاغل (متفرقه و خاص)	۶۷	۱۶/۷۹	
-	-	$N = ۳۹۹^*$	۱۰۰	

مصاحبه شوندگان نیز منزلت اجتماعی معلمان را پایین ارزیابی کرده‌اند. آنان معتقدند که شغل معلمی در جامعه ما از جایگاه شایسته خود برخوردار نیست و حتی این جایگاه به طور فزاینده‌ای تنزل می‌یابد. به نظر می‌رسد که درباره شغل معلمی، دور باطلی ایجاد شده است؛ بدین معنا که در اثر پایین بودن منزلت اجتماعی این شغل، جوانان مستعد و علاقه‌مند وارد آن نمی‌شوند و وارد نشدن این افراد منزلت اجتماعی شغل معلمی را کاهش می‌دهد. بر

* هر فرد می‌توانست سه شغل دارای منزلت اجتماعی بالا را ذکر کند. تعداد ۱۳۳ نفر به پرسش مربوط پاسخ داده‌اند و در مجموع، تعداد ۳۹۹ مورد شغل ذکر شده است.

اساس نظریات مصاحبه‌شوندگان، دلایل و نشانه‌های پایین‌بودن منزلت اجتماعی معلمان به شرح زیر خلاصه شده است.

۱- جوانان مستعد و علاقه‌مند از شغل معلمی استقبال نمی‌کنند و اگر هم به این شغل روی می‌آورند، از روی ناچاری و وجود بی‌کاری در جامعه است.

۲- در تعاملات اجتماعی و روابط بین فردی، رفتار مردم و حتی دانش‌آموزان با معلمان ترحم‌آمیز و گاهی تحقیرآمیز است.

۳- رسانه‌های گروهی که نماینده واقعی افکار مردم محسوب می‌شوند - به ویژه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - معلمان را افرادی محبوب و در عین حال فقیر و محروم نشان می‌دهند.

۴- شاخص‌های منزلت اجتماعی (سطح تحصیلات، دانش، تخصص و صلاحیت‌های حرفه‌ای، طبقه اجتماعی، حقوق و مزایا و برخوردارگی از امکانات زندگی و فرصت‌های مختلف) در میان معلمان نسبتاً پایین است.

۵- خودپنداره مثبت، اعتماد به نفس و پذیرش خویشتن - که نوعی، بازتاب منزلت اجتماعی تلقی می‌شود - در میان معلمان مرد نسبتاً پایین است.

راههای ارتقای منزلت اجتماعی معلم

به نظر می‌رسد که برای ارتقای منزلت اجتماعی معلمان یک راه اساسی و چندین راه فرعی وجود دارد. راه اصلی همان است که پیش از این بدان اشاره شد؛ یعنی، روی آوردن به منابع انسانی و اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت. بدون تردید، در صورتی که به منابع انسانی اهمیت داده شود و سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت در میان سایر گزینه‌های سرمایه‌گذاری اولویت یابد، سیاست‌های کلان کشور تغییر می‌یابد، نتایج کار معلمان برای جامعه توجیه می‌شود، حساسیت نقش معلم در توسعه کشور و فن‌آوری به درستی تبیین می‌گردد، فقر و محرومیت از زندگی معلمان دور می‌شود، شیوه‌های

جذب و تربیت معلم اصلاح می‌شود مدیریت آموزش و پرورش بهبود می‌یابد و در نتیجه، منزلت اجتماعی معلمان ارتقا می‌یابد.

۱- ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت از طریق تغییر سیاست‌های کلان کشور

همهٔ مصاحبه‌شوندگان که بیش‌تر آنان را صاحب‌نظران تعلیم و تربیت ایران تشکیل می‌دهند، تأکید کرده‌اند که برای ارتقای منزلت اجتماعی معلمان لازم است سیاست‌های کلان کشور در جهت اهمیت دادن به توسعهٔ منابع انسانی و اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت تغییر یابد. حدود ۹۰ درصد معلمان مورد مطالعه هم همین‌نظر را دارند و بر این باورند که بدون تغییر سیاست‌های کلان کشور و اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، منزلت اجتماعی معلمان ارتقا نمی‌یابد.

با وجود این شواهد و دلایل منطقی، دیگر تردیدی باقی نمی‌ماند که راه اصلی ارتقای منزلت اجتماعی معلمان، ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت در جامعه است؛ زیرا بدون شناخت اهمیت آموزش و پرورش، نقش حساس عامل اصلی آن (معلم) به درستی درک نخواهد شد. از سوی دیگر، ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت صرفاً از طریق تغییر سیاست‌های کلان کشور امکان‌پذیر است و برای تغییر سیاست‌های کشور، ابتدا باید سیاست‌گذاران ما باور داشته باشند که تعلیم و تربیت کلید پیشرفت کشور است. این سخن شعار صرف نیست و دست‌کم در چند کشور پیشرفته از جمله ژاپن، به واقعیت پیوسته است. زمانی که این باور قلبی به وجود آید سیاست‌های کلان کشور تغییر می‌یابند، منابع انسانی اهمیت پیدا می‌کنند، به تعلیم و تربیت در میان سایر گزینه‌های سرمایه‌گذاری اولویت داده می‌شود، نتایج کار معلمان برای جامعه توجیه می‌گردد و حساسیت نقش معلم در توسعه کشور و فن‌آوری به درستی تبیین می‌شود، نگرش و تصورات غلط مسؤولان و مردم در مورد نسبت دادن نقش

مصرف‌کننده به آموزش و پرورش اصلاح می‌گردد و نقش تولیدی نظام آموزشی به رسمیت شناخته می‌شود. در این صورت با تمام موجود در می‌یابیم که با ارزش‌ترین سرمایه‌های کشور در اختیار معلمان است و آینده کشور هم به ایفای نقش این گروه بستگی دارد. زمانی که اهمیت و حساسیت نقش معلم برای مسؤولان سیاسی و مردم آشکار شود و آنان به این امر ایمان آورند قدر و منزلت معلمان در جامعه بالا می‌رود.

۲- تأمین امکانات رفاهی و رفع فقر و محرومیت از زندگی معلمان

زمانی که مسأله منزلت اجتماعی معلمان مطرح می‌شود، وضعیت معیشتی و حقوق و دستمزد آنان تداعی می‌گردد. می‌توان گفت که میزان حقوق و دستمزد فرد در هر سمت، تا حدودی بیانگر ارزش و جایگاهی است که جامعه برای آن شغل قایل است. با مطالعه پیشینه موضوع در می‌یابیم که منزلت اجتماعی معلمان، از وضعیت معیشتی و بویژه حقوق و دستمزد آنان به شدت متأثر می‌شود. نتایج پژوهش حاضر هم از این نظر حمایت می‌کند. واقعیت این است که معلمان به فقر و محرومیت دچارند. تنها ۹ درصد معلمان مورد مطالعه - صرف نظر از این که سرپرست خانواده بودند یا نه - اعلام کرده‌اند که حقوق و مزایای دریافتی آنان برای تأمین هزینه‌های زندگی کافی است. متوسط دریافتی ماهانه معلمان مورد مطالعه، ۷۵ هزار تومان است که در شرایط کنونی دارندگان این درآمد زیر خط فقر قرار دارند. حتی بعضی از معلمان هر ماه بیش از ۵۰ هزار تومان دریافت نمی‌کنند و این در حالی است که ۵۸ درصد نمونه آماری اظهار کرده‌اند که فاقد مسکن‌اند و ۸۱ درصد آنان هم وسیله نقلیه شخصی ندارند. مصاحبه‌شوندگان هم بیان کرده‌اند که وضع معیشتی معلمان مناسب نیست؛ آنان همواره درباره تأمین امکانات زندگی نگرانی و دغدغه دارند و برطرف نشدن نیازهای اولیه و نداشتن امنیت روانی، آنان را از پرداختن به وظایف شغلی و پی‌گیری نیازهای رشد باز می‌دارد. تقریباً همه

مصاحبه‌شوندگان اعتقاد دارند که پایین بودن جایگاه اجتماعی معلمان از محرومیت آنان از امکانات رفاهی و تسهیلات زندگی ناشی می‌شود. حدود ۹۵ درصد معلمان مورد مطالعه نیز اعتقاد دارند که با تأمین رفاه و رفع فقر و محرومیت از زندگی معلمان می‌توان منزلت اجتماعی آنان را ارتقا داد.

علاوه بر نتایج پژوهش حاضر، شواهد دیگری نیز نشان می‌دهد که وضع معیشتی معلمان ایران رضایت‌بخش نیست. بهترین شاهد این مدعا سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. در فصل دهم این سند، در بخش نقاط ضعف، تنگناها و مشکلات، اشاره شده است که به منزلت و معیشت معلمان توجه کافی نمی‌شود و در آنان انگیزه کافی برای خدمت وجود ندارد (سند برنامه سوم، ص ۳۲۵). واقعیت این است که بسیاری از معلمان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اکثر آنان یا بیش‌تر از یک نوبت کار می‌کنند یا علاوه بر ساعات موظف، به تدریس در مدارس غیرانتفاعی، آموزشگاهها یا تدریس خصوصی مشغول می‌شوند تا بتوانند امرار معاش کنند. چه بسا بسیاری از معلمان که به کارهایی چون مسافركشی، فروشنده‌گی، حسابداری، واسطه‌گری و دیگر مشاغلی که دور از شأن رفیع معلمی است، مشغول‌اند. (حضرتی، ۱۳۷۹).

بر خلاف برخی تصورها، اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد که وضع مالی و معیشتی معلمان ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی نیز رضایت‌بخش نبوده است. چنان که فقر و ناداری جامعه معلمان کشور در آثار نویسندگان و شاعران معاصر انعکاس یافته است.

“توابخش” حدود چهل سال پیش در یکی از غزل‌های اجتماعی خود، وضع معیشتی معلم را به شرح زیر توصیف کرده است.*

توران میرهادی، رییس مدرسه تجربی فرهاد که از معلمان شناخته شده تهران بود، در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۶۶ تدریس اضافی، کار در شرکت‌های خصوصی و مسافركشی را از انواع کارهایی که معلمان انجام می‌دهند، بر می‌شمرد و با توجه به بدی شرایط زندگی معلمان می‌گوید: “باید در مورد حقوق و رفاه معلمان خیلی سریع اقدامات قاطع انجام شود”.

* پس که می‌سوزد ز غم جان تو ای آموزگار

زندگی گردیده زندان تو ای آموزگار

خوان علم و معرفت را در جهان گسترده‌ای

لیک هست از نان تسهی خوان تو ای آموزگار

زاستین بس گوهر دانش فروریزی ولی

فقر بگرفته گریبان تو ای آموزگار

عمر خود را صرف اطفال کسان کردی و نیست

هیچ‌کس در فکر طفلان تو ای آموزگار

هیچ اقدامی نشد از این مقامات رفیع

بهر اوضاع پریشان تو ای آموزگار

زنده‌یاد، ابوالقاسم حالت نیز چهل و چند سال پیش در شعر بی‌خانمان خود، داستان زندگی مستأجری را روایت می‌کند که صاحبخانه اثاث زندگی‌اش را بیرون ریخته و شاعر از زبان او گفته است:

نظم این ملک به آن است که بر خاک نشاند

هر که را چون من بی چیز نه ملکی است نه مالی

گر سرانجام شدم خاک‌نشین، بود سزایم

که ز آغاز جرا فکر زر و سیم نیسودم

کرده خدمت به وطن پریم و اندر وطن خود

آن قدر جای سدارم که در آن‌جا به سزارم

وقتی درباره منزلت اجتماعی معلمان ایران بحث می‌کنیم و وضع مالی یا معیشتی آنان را به عنوان مهم‌ترین یا مشخص‌ترین عامل تعیین‌کننده مورد توجه قرار می‌دهیم، شایسته است به خاطر بیاوریم که کشور ما یکی از کشورهای جهان سوم است و وضع معلمان این‌گونه کشورها تقریباً یکسان است. در این گروه از کشورها، برای معلمان کاملاً عادی است که یک نوبت در مدرسه‌ای و نوبت دوم در مدرسه دیگری تدریس کنند. در مناطق شهری، معلمان، مشاغل کوچک دایر می‌کنند و در مناطق روستایی بیش‌تر اوقات خود را به کار زمین‌های کشاورزی می‌پردازند. در دانشگاه‌ها، استادان و مربیان به کار مشاوره در شرکت‌های خصوصی مشغول می‌شوند و وقت کمی به دانشجویان و پژوهش اختصاص می‌دهند. به هر حال، حقوق معلمان به ندرت با نرخ تورم هماهنگ بوده است؛ به طوری که وقتی افزایش می‌یابد، تأثیر آن بر انگیزش معلمان منفی است. تنزل وضع اجتماعی حرفه معلمی نیز با کاهش نسبی قدرت خرید در ارتباط است. این واقعیت که فارغ‌التحصیلان پسر میل ندارند حداقل در سطوح ابتدایی وارد حرفه آموزشی شوند، نشانه پایین بودن موقعیت اجتماعی معلمان است. در بعضی از کشورها معلمی بیش‌تر به عنوان حرفه زنان در نظر گرفته می‌شود. این تنزل وضع اجتماعی حرفه آموزشی، بر کشورهای در حال توسعه نیافته تأثیر می‌گذارد. در کشورهای در حال توسعه، حقوق معلمان کاهش یافته است. اگر چه این امر پدیده تازه‌ای نیست اما در سال‌های اخیر به علت کاهش بودجه و بحران‌های اقتصادی تسریع شده است. ناظران به خوبی آگاه‌اند که معلمان برخی از کشورها در همه سطوح (از ابتدایی تا دانشگاه) به جای پرداختن به امر آموزش بیش‌تر نگران تأمین معاش خودند و هرگاه ممکن باشد به شغل دوم یا سوم مشغول می‌شوند (مختاری، ۱۳۷۲).

در اکثر کشورهای در حال توسعه سه عامل عمده موجب آن می‌شود که افراد با کفایت از شغل معلمی کم‌تر استقبال کنند: ۱- پایین بودن سطح حقوق

و دستمزد، ۲- شرایط کار معلم و ۳- موقعیت اجتماعی معلمان. طبق آمارهای موجود در کشورهای در حال توسعه، هر سال عده کثیری از معلمان، به علت پایین بودن حقوق و مزایا و در نهایت، پایین بودن پایگاه و مرتبه اجتماعی تغییر شغل می دهند. در حالی که در کشورهای توسعه یافته، حقوق و دستمزد معلم در شرایط مساوی بالاتر از سایر مشاغل است و معلمان از تأمین شغلی قابل توجهی برخوردارند (جی واد، ۱۳۷۴).

به نظر می رسد که متقاضیان شغل، به حقوق دریافتی بیش از سایر مزایا اهمیت می دهند؛ چرا که پول می تواند به کالا و خدمات برای ارضای نیازهای فیزیولوژیک تبدیل شود و در عین حال، به عنوان یک کالای اقتصادی نیازهای ایمنی را ارضا کند. به اعتقاد مازلو^۲، قوی ترین نیاز افراد تعیین کننده نوع رفتار آن ها در لحظات خاص است. ارضای نیازها پاداشی است که به رفتارهای برانگیخته داده می شود. بخشی از این نیازها که به طور مستقیم با پول ارضا می شود، در سازمان ها از طریق نظام های پرداخت برای جبران خدمات برآورده می گردد، بنابراین، در جامعه ای که نیازهای فیزیولوژیک ارضا نشده است، پرداخت پول می تواند پاداش برانگیزنده برای کارکنان سازمان باشد (کبیری، به نقل از یاری، ۱۳۷۵). از سوی دیگر، پول نمادی از موفقیت است و در بسیاری از فرهنگ ها، افراد بر حسب حقوقی که می گیرند و پولی که دارند، ارزشیابی می شوند. در نتیجه، افراد سازمان های با حقوق پایین تر را به سرعت به سوی سازمان های با حقوق بالاتر ترک می کنند. البته باید دانست که اطلاعات داوطلبان استخدام همواره کامل نیست؛ بنابراین، آن ها بر مبنای ادراکات خود از نوع شغل و میزان حقوق آن تصمیم گیری می کنند. تصمیم گیری آن ها مبتنی بر عدالت ادراک شده است و آن چه باعث رفتار می شود، ادراکات افراد است؛ بنابراین، کافی نیست که سیستم واقعاً عادلانه طراحی شده باشد بلکه ایجاد ارتباطات کافی برای ابلاغ سیستم، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. یک سیستم

ارتباطی مؤثر باید بازخورد لازم را از کارکنان در رابطه با اهمیت نسبی پاداش‌های مالی و غیرمالی که انتظارش را دارند، تسهیل نموده و در کارکنان این احساس را به وجود آورد که با آن‌ها عادلانه رفتار می‌شود. برای ادراک عدالت، کارکنان نهاده‌ها ستانده‌های خود را در شغل خویش با نهاده‌ها و ستانده‌های دیگر کارکنان مقایسه می‌کنند. در صورتی که پرداخت‌های یک سازمان با دیگر سازمان‌ها قدرت رقابت نداشته باشد، توان جذب نیروهای انسانی کاهش می‌یابد و سازمان نمی‌تواند نیروی کیفی را جذب کند. هم‌چنین ادراک نبود عدالت بر کارکنان تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و ممکن است باعث شود که سازمان را ترک کنند یا برای کاهش آثار نبود عدالت به مشارکت کم‌تر، غیبت، کار ضعیف‌تر، خلاقیت کم‌تر، ترک محل کار یا استعفا متوسل شوند (یاری، ۱۳۷۵).

در شرایط حاضر، وضعیت معیشتی و رفاهی فرهنگیان از دو جهت ضربات جبران‌ناپذیری را بر آموزش و پرورش وارد می‌سازد؛ اول آن که انگیزه و حتی امکان فعالیت همه جانبه، متعهدانه و ایشارگرانه را از نیروهای موجود آموزش و پرورش سلب می‌کند و علاوه بر ایجاد ناامیدی و دل‌سردی، ممکن است آنان را به فعالیت‌های دیگری وادار کند که در نتیجه آن‌ها مشکلاتی چون تحقیر یا فساد را نیز تجربه نمایند. ضربه دوم، کاهش و حتی از میان رفتن انگیزه افراد مستعد و با کفایت در پیوستن به این بخش زیربنایی و انسان‌ساز جامعه است (شاهد، ۱۳۷۹)؛ بنابراین، تأمین رفاه و رفع فقر و محرومیت از زندگی معلمان ضرورت دارد.

۳- اصلاح شیوه‌های تأمین و تربیت معلم (جذب و پرورش معلمان شایسته و باکفایت)

زیباترین طرح اصلاح و بازسازی نظام آموزشی در صورتی که معلم به تعداد کافی و با کیفیت مطلوب در اختیار نباشد، با شکست روبه‌رو خواهد شد

(پیاژه، به نقل از صافی، ۱۳۷۶). در نهایت، کیفیت آموزش و پرورش به کیفیت معلمان آن بستگی دارد (امین ورزلی، ۱۳۷۹): بنابراین، بسیار مهم است که تواناترین و شایسته‌ترین افراد در حرفه معلمی به کار گرفته شوند و به آنان فرصت داده شود که دانش و مهارت خود را طی دوران خدمت افزایش دهند. ژاپنی‌ها عقیده دارند که شایستگی هر نظام آموزشی به اندازه شایستگی معلمان آن است. در حقیقت، هیچ کشوری نمی‌تواند از سطح معلمانش بالاتر رود. در کشور ژاپن که به داشتن مدارس برتر جهان معروف است، گرایش جمعی و رقابت برای ورود به آموزش و پرورش بسیار جدی است و بهترین افراد جذب شغل معلمی می‌شوند (حضرتی، ۱۳۷۹). معلمان مدارس ژاپن بر حسب یک سنت دیرینه از بین افرادی که از نظر اخلاقی، شخصیت و دانش و تخصص با صلاحیت‌اند، انتخاب می‌شوند؛ زیرا مسؤولان بر این باورند که شخصیت دانش‌آموزان متأثر از ویژگی‌های رفتاری معلمان است. به همین جهت، باید در انتخاب آن‌ها دقت لازم به عمل آید. جامعه ژاپن معلم را مظهر تقوا فضایل اخلاقی و کمالات انسانی می‌داند و از او با عنوان "Sensei" یعنی فردی قابل احترام که از نظر دانش و اخلاق از دیگران برتر است، نام می‌برد.

جذب و تربیت معلمان شایسته یکی از مشکلات مشترک بسیاری از کشورهاست. چنان‌که در سال ۱۹۹۸ میلادی در کنفرانس ملبورن بیانیه‌ای صادر شد که در بخشی از آن توصیه‌هایی درباره یادگیری برای زیستن آرایه شده بوده در کنار این توصیه‌ها، نگرانی‌هایی نیز ابراز گردیده بود؛ از جمله: انتخاب معلمان و داوطلبان تدریس، تربیت و آموزش کسانی که آماده تدریس می‌شوند، توسعه شغلی معلمان، آموزش حرفه‌ای مستمر برای معلمان، شرایط کاری معلمان و موقعیت معلمان به عنوان متخصص (حضرتی، ۱۳۷۹).

در کشور ما به دلایل مختلف (افزایش جمعیت دانش‌آموزی، حاکمیت مدیریت غیرعلمی، کمبود منابع و ...) انتخاب و تربیت معلم با مشکل جدی مواجه بوده است. به قول کاردان (۱۳۵۴)، وقتی قرار باشد میلیون‌ها کودک در مدارس نگهداری شوند، چاره‌ای جز این نیست که هر کس با هر کیفیتی به عنوان معلم به کار گمارده شود تا عجتاً بچه‌ها را نگه دارد. نیاز روزافزون به معلم سبب شده است که ملاک‌های مناسب در انتخاب معلمان کم‌تر مورد توجه قرار گیرد (جواهر فروش‌زاده، ۱۳۷۲). پس، غالباً افرادی که در جاهای دیگر با اقبال مواجه نمی‌شوند، به آموزش و پرورش روی می‌آورند. در تربیت معلم هم آن‌چه تدریس می‌شود معلمی نیست بلکه تکرار دانسته‌ها و حداکثر مطالب قالبی و کلیشه‌ای است که در مدرسه کاربردی ندارد. از پژوهش، کارهای میدانی، تحقیقات، کنفرانس‌ها و میزگردهای علمی خبری نیست (حضرتی، ۱۳۷۹). به باور اکثر دست‌اندرکاران، مراکز کنونی تربیت معلم در تمامی زمینه‌ها (نحوه‌گزینش، سطح علمی و آموزشی اعضای هیأت علمی، امکانات آموزش و پژوهش و ...) با یک نظام آموزش و پرورش مطلوب هیچ‌سختی ندارد. به همیت دلیل، این مراکز نه تنها در تربیت نیروی انسانی کارآمد برای آموزش و پرورش موفق نبوده‌اند بلکه انگیزه و رغبتی در افراد نخبه و مستعد جامعه برای ورود به این مراکز ایجاد نکرده‌اند (شاهد، ۱۳۷۹).

البته این بحث به ایران محدود نمی‌شود.

پیازه روان‌شناس معاصر، در کتاب آموزش و پرورش و روان‌شناسی که در سال ۱۹۶۱ منتشر شده است، در بیان علل تنزل مقام معلم در مغرب زمین می‌گوید: چون معلمان کنونی در مراکزی جدا از مؤسسات دانشگاهی تربیت می‌شوند، نه تنها روش‌های جدید آموزش را نمی‌دانند بلکه به علت بی‌خبری از تحقیقات تربیتی و آشنا نبودن با روش‌های آن، نسبت به پیشرفت علوم و فنون آموزش عقب مانده‌اند و وقتی جامعه آنان را با صاحبان فنون دیگر

مقایسه می‌کنند که لااقل کارشان را خوب می‌دانند و هر روز زیر فشار پیشرفت تکنولوژی، بر دانش و کارآمدی خود می‌افزایند، نباید انتظار داشت که جامعه برای معلمان منزلت خاصی قایل باشد.

از آن‌چه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که وجود معلمان شایسته و با کفایت، معلمانی که از هر لحاظ صلاحیت‌های شخصی، اخلاقی، روانی، علمی و حرفه‌ای را داشته باشند، برای نظام تعلیم و تربیت اهمیت حیاتی دارد. با وجود این، شواهد علمی و پژوهشی موجود (برای مثال، مینو، ۱۳۷۲؛ حضرتی، ۱۳۷۹؛ شکاری، ۱۳۷۲؛ مختاری، ۱۳۷۲؛ صادق‌پور، ۱۳۷۲؛ کاردان ۱۳۵۴؛ جواهرفروش‌زاده، ۱۳۷۲) از وضعیت نامطلوب فرایند جذب و تربیت معلم در کشور ما حکایت می‌کند. در پژوهش حاضر نیز همین نتیجه به دست آمده است. مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند که ضوابط و معیارهای گزینش معلم، علمی نیست. افرادی که انتخاب می‌شوند، از استعداد، دانش، تخصص و انگیزش کافی برای اشتغال معلمی برخوردار نیستند. در گزینش‌ها به جای این که به ویژگی‌های مطلوب شخصیتی - اعم از شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی - و به طور کلی صلاحیت‌های مربوط به حرفه معلمی توجه شود، مسایل ظاهری و سطحی مورد توجه قرار می‌گیرد. در نتیجه، افرادی که وارد آموزش و پرورش می‌شوند، غالباً ویژگی‌های ورودی مطلوب را ندارند. هم‌چنین، مصاحبه‌شوندگان تصریح کرده‌اند که در مراکز تربیت معلم کیفیت برنامه‌ها برای پرورش معلمان مناسب نیست. سطح آموزش در این‌گونه مراکز بسیار پایین است و محیط، کسل‌کننده و سرد و بی‌روح است. مدرسان این مراکز از نظر علمی در سطح پایینی قرار دارند؛ کتاب‌های درسی قدیمی است و اطلاعات موجود در منابع و کتاب‌ها به روز نیست به همیت دلیل، شأن معلمان در جامعه تنزل پیدا کرده است. برای ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان، لازم است در معیارها و ضوابط گزینش معلم تحولی اساسی به وجود آید و از

معیارهایی استفاده شود که صرفاً به حرفه معلمی مربوط می‌شوند و با استفاده از آنها عملاً می‌توان افراد مناسب و مستعد و شایسته را وارد آموزش و پرورش کرد. برنامه‌های تربیت معلم هم باید متحول شوند؛ چنان که محصول نهایی آنها افرادی برخوردار از صلاحیت‌های حرفه‌ای و ویژگی‌های مطلوب شخصیتی باشد. در چنین شرایطی، می‌توان انتظار داشت که منزلت اجتماعی معلمان ارتقا یابد. حدود ۸۵ درصد معلمان مورد مطالعه هم ضرورت اصلاح شیوه‌های تأمین و تربیت معلم را به منظور ارتقای منزلت اجتماعی معلمان مورد تأکید قرار داده‌اند.

۴- تمرکززدایی و اعمال سیاست مشارکت همه جانبه معلمان در آموزش و پرورش

حدود ۹۰ درصد معلمان مورد مطالعه معتقدند که اعمال سیاست مشارکت معلمان در آموزش و پرورش (مشارکت در تدوین برنامه‌های آموزشی و پرورشی، انتخاب مسؤولان بالاتر توسط معلمان و پیروی از سیاست مدرسه محوری) می‌تواند منزلت اجتماعی معلمان را ارتقا دهد. مصاحبه شوندگان هم اعتقاد دارند که مشارکت دادن معلمان در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند به ارتقای شأن آنان در جامعه بینجامد. مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به آموزش و پرورش موجب می‌شود که آنان نسبت به هدف‌های نهایی تعلیم و تربیت احساس تعهد کنند و برای تحقق آنها بکوشند. در چنین حالتی، نظام آموزشی در رسیدن به اهداف خود توفیق پیدا می‌کند و کارایی آن بیش‌تر می‌شود در نتیجه، مردم به مفید بودن نظام آموزشی پی می‌برند و از عاملان این نظام - یعنی معلمان - قدردانی می‌کنند.

با وجود این، به نظر می‌رسد که مشارکت دادن معلمان در تصمیم‌گیری‌های اساسی نیازمند تغییر تفکرات مدیران سطوح عالی کشور و دستگاه تعلیم و تربیت است. با توجه به مجموعه تکالیف و مسؤولیت‌هایی که جامعه از

معلمان انتظار دارد، می‌توان گفت که مشارکت همه جانبه در آموزش و پرورش حق معلمان است اما این حق به طور کامل به رسمیت شناخته نشده و در حال حاضر انتظارات مردم و مسؤولان از معلمان، بیش از اختیاراتی است که به آنان داده شده است. در توصیف نقش معلم، غالباً او مسؤول همه نارسایی‌های تعلیم و تربیت قلمداد می‌شود ولی عملاً اجازه هیچ‌گونه دخالتی در برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزش و پرورش را ندارد. به نظر می‌رسد که نگاه مسؤولان جامعه به معلم، نگاه از بالا به پایین است. به همین دلیل، وقتی درباره معلم بحث می‌کنند بیش‌تر به تکالیف و مسؤولیت‌های او توجه دارند ولی از حقوق و اختیاراتی که باید در اختیار معلمان باشد، غفلت می‌ورزند. البته نگاه از بالا به پایین در جامعه ما حاکمیت دارد و منحصر به مسؤولان آموزش و پرورش نیست. به قول پورنجاتی (۱۳۷۹)، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس، مسأله اساسی که جامعه ما با آن روبه‌روست، وجود دو نگاه متفاوت در اداره کشور است؛ یکی نگاه عمودی یا نگاه از بالا به پایین، یعنی نگاه اقتدار گرایانه، اتوپیایی و شعارگونه است که در بهترین شکل خود، صرفاً از موضع تشخیص و تعیین مصلحت جامعه است. لازمه این نگاه، بهره‌گیری هرچه بیش‌تر از توده‌های مردم به عنوان ابزار حمایت است. در این نگاه، خواست مردم به میزانی که در چارچوب تدابیر اتخاذ شده قرار دارد، مباح و موجه است و مردم بیش از آن که حق داشته باشند، تکلیف دارند. در نگاه دیگر که نگاهی افقی به جامعه است، از یک زاویه عقلانی در چارچوب ارزش‌های مورد احترام جامعه به مسایل نگریسته می‌شود. این نگاه سه عنصر خواست، نیاز و مصلحت جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد.

از آن‌چه بیان شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فراهم کردن زمینه مشارکت همه جانبه معلمان در مدیریت آموزش و پرورش کشور به منظور افزایش کارایی نظام آموزشی ضرورت دارد و این ضرورت به سیاست‌های

کلان دولت برمی‌گردد. وزارت آموزش و پرورش هم در پی پیاده‌کردن سیاست مدرسه محوری است و تحقق این امر مستلزم مشارکت گسترده معلمان در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزش و پرورش می‌باشد. با ایسن حال، مشارکت‌خواهی مسؤولان وزارت آموزش و پرورش باید شکل جدی‌تر و عملی‌تری به خود بگیرد.

در جریان تمرکززدایی از دستگاه آموزش و پرورش، پیوسته به موضوع خودمختاری مدارس و معلمان اشاره می‌شود. اما باید به یاد داشته باشیم که خودمختاری مدرسه را نمی‌توان محقق ساخت؛ مگر آن‌کس معلم خودمختار باشد (مثلاً نمی‌توان دستگاه اداری یا مالی را از حالت متمرکز به در آورد و در عین حال، پایگاه نقش معلمان را دست نخورده حفظ کرد). خودمختاری معلم در اصل مستلزم استقلال حرفه‌ای است و این امر خود به اقدام‌های خاصی نیاز دارد. دادن خودمختاری یا استقلال بیش‌تر به مدارس، بدون ایجاد شرایطی به نفع استقلال حرفه‌ای معلمان، ممکن است به جای کاهش میزان ناکارایی و بی‌عدالتی و کیفیت نامطلوب نظام آموزشی، به همه این‌ها بیش‌تر دامن زند (روزاماریا تورس، ترجمه محمدی، ۱۳۷۷).

۵- ایجاد تشکلهای صنفی برای دفاع از حقوق معلمان و حریم تعلیم و تربیت

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ایجاد تشکلهای صنفی در میان معلمان می‌تواند منزلت اجتماعی معلم را ارتقا دهد. ۸۴ درصد معلمان مورد مطالعه و تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان با این نظر موافق‌اند. در صورتی که معلمان دارای تشکلهای صنفی باشند، می‌توان انتظار داشت که این تشکلهای از حریم شغل معلمی دفاع کنند؛ چنان‌که نظام پزشکی می‌تواند از شغل پزشکی دفاع کند. وجود تشکلهای صنفی در میان معلمان، نقش آنان را توسعه

می‌دهد. در این صورت، آن‌ها از حالت کارمندی و الزامات محدودکننده آن خارج می‌شوند و به موجوداتی اثرگذار در سرنوشت خود تبدیل می‌گردند. مصاحبه‌شوندگان از این که معلمان ایران هنوز شکل صنفی مناسبی ندارند، اظهار تأسف کرده و تصریح نموده‌اند که تقریباً همه صنوف برای دفاع از منافع صنفی خود، متشکل شده‌اند ولی معلمان که قاعدتاً باید پیشتاز باشند، شکل مناسبی ندارند، آن‌ها به صورت منفعل و گاهی با احساس یأس و درماندگی در انتظار سرنوشت نامعلوم خویش‌اند و این انفعال، جایگاه و شأن اجتماعی‌شان را تنزل داده است.

در صورتی که معلمان شکل صنفی نداشته باشند، هر کسی می‌تواند بدون ضوابط علمی و حرفه‌ای وارد شغل معلمی شود و دیگران، بدون توجه به نظر و رأی معلمان برایشان تصمیم می‌گیرند؛ تصمیمی که معلمان حق چون و چرا در آن را ندارند. بدیهی است که در چنین شرایطی، آموزش و پرورش از افکار و اندیشه‌های کارکنان خود محروم می‌شود و روزه‌روز از اندیشه و تدبیر تهی می‌گردد. در نتیجه، جامعه از وجود آموزش و پرورش پویا، پیشرو و سازنده آینده محروم می‌شود. با این‌که وجود شکل‌های صنفی برای دفاع از حقوق معلمان و حریم تعلیم و تربیت ضروری به نظر می‌رسد، و شکل‌ها می‌توانند منزلت اجتماعی معلم و تعلیم و تربیت را ارتقا دهند. لازم است تصریح شود که ایجاد شکل‌های صنفی، مستلزم فراهم کردن مقدماتی است. ابتدا باید دانست که شکل صنفی، یک شکل سیاسی نیست. این امر به آن معنا نیست که شکل صنفی حق ندارد با حوزه سیاست ارتباط برقرار کند بلکه به ایسن معناست که چون فعالیت هر شکل صنفی مطالبه خواسته‌ها و حقوق افراد یک صنف است، ارتباط آن با دیگر حوزه‌های جامعه - از جمله سیاست - باید تأمین‌کننده منافع و خواسته‌های افراد آن باشد. به عبارت دیگر، یک شکل صنفی تا آن‌جا می‌تواند در متن رویدادهای مختلف یک جامعه قرار گیرد و با

جریانات سیاسی مختلف همراه باشد که این ارتباط در درجه اول هیچ لطمه‌ای را متوجه افراد صنف مذکور نسازد و در درجه دوم تأمین‌کننده برخی از مطالبات و خواسته‌های ایشان باشد. این نکته در جوامعی که سیاست در آن‌ها توسعه نیافته و گرفتار فضایی سیاست‌زده شده‌اند، اهمیت دو چندان می‌یابد؛ زیرا در چنین جوامعی وارد شدن تشکل‌های صنفی به جریانات سیاسی و همسویی و همراهی تام با آن‌ها، باعث بروز برخوردهای سلیقه‌ای و گزینشی اهالی حوزه سیاست با افراد آن صنف خاص می‌شود و دست‌یابی آن‌ها به منافع و مطالباتشان را به پیروزی‌ها و شکست‌های آن جریان سیاسی و نیز میزان برخورداری آن از قدرت و حاکمیت منوط می‌سازد (الیاسی، ۱۳۷۹).

نکته دیگری که لازم است درباره تشکل‌ها تصریح شود، این است که معلمان قبل از هر چیز باید به آگاهی صنفی و سیاسی دست یابند. قبل از آن که معلمان درباره مشکلات خود با جامعه و مسئولان سخن بگویند و حقوق فراموش شده خود را از جامعه و نهادهای مسئول مانند مجلس و دولت مطالبه کنند، باید به شناخت وضع موجود آموزش و پرورش همت گمارند، مسایل آموزش و پرورش را اولویت‌بندی کنند و در میان خود به نوعی اجماع نسبی برسند. در غیر این صورت، گرفتار پراکنده‌گویی و جزیی‌نگری خواهند شد و هیچ‌کس حرف‌های آنان را جدی نخواهد گرفت. معلمان ابتدا باید هم‌گفت‌وگو کنند و به سؤال‌هایی درباره خود پاسخ گویند؛ برای مثال، آیا ما معلمان، درک درستی از حقوق پامال شده خود داریم؟ آیا تحلیل جامعی از وضعیت کنونی آموزش و پرورش می‌توانیم ارائه دهیم؟ آیا برای مسایل مشکلات آموزش و پرورش راه‌حل‌های واقع‌بینانه و منطقی داریم؟ آیا می‌دانیم تشکل‌های صنفی معلمان از نظر ماهیت و شکل چه مشخصاتی باید داشته باشند؟ بدیهی است تا زمانی که به این سؤال‌ها پاسخ داده نشود و یک جریان فکری قوی در میان معلمان ایجاد نگردد و بحث‌های گسترده‌ای درباره ماهیت

و شکل مناسب تشکل‌های معلمی صورت نگیرد، مقدمات لازم برای ایجاد تشکل‌های صنفی فراهم می‌شود.

۶- استقرار انضباط اجتماعی و اقتصادی در جامعه

ما از نظریه سیستمی آموخته‌ایم که آموزش و پرورش به عنوان یک نظام، تحت تأثیر نظام‌های بزرگی است که آن را احاطه کرده‌اند. منزلت اجتماعی افراد و گروه‌ها در مقایسه با افراد و گروه‌های دیگر معنا پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، منزلت اجتماعی افراد و گروه‌ها با یکدیگر در حال رقابت است و پیروزی هر فرد یا گروه منزلت آن را بالاتر از گروه‌های دیگر قرار می‌دهد. با این توضیح، روشن می‌شود که وقتی در جامعه‌ای بی‌نظمی اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد، ممکن است جایگاه گروه‌ها و صاحبان مشاغل به‌طور غیرعادی تغییر یابد و بعضی از گروه‌ها یا افراد بدون داشتن استحقاق، در جایگاه بالاتری قرار بگیرند. این شرایط در کشور ما حاکم بوده و بعد از انقلاب اسلامی تا حدودی تشدید شده است؛ چنان‌که افرادی توانسته‌اند به ثروت‌ها و قدرت‌های بادآورده‌ای دست یابند و در میان مردم نفوذ پیدا کنند. عظیمی (۱۳۸۰) در یک مصاحبه تلویزیونی که در تاریخ ششم فروردین از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، اظهار داشت: متأسفانه در جامعه ما توزیع درآمد و ثروت نه برابر است و نه عادلانه. یک عده به رانت‌ها - پول‌هایی که در اثر کارکردن به دست نیامده است - دسترسی دارند و عده‌ای دیگر ندارند. به طوری که ۱۰ درصد بالای جامعه به اندازه ۲۰ برابر ۱۰ درصد پایین جامعه درآمد و مصرف دارند و این مسأله موجب می‌شود که مردم احساس تبعیض و بی‌عدالتی کنند. نهاوندیان (۱۳۸۰) نیز نظر مشابهی داشت و اظهار کرد که در حال حاضر کار، خلاقیت و اندیشه در جامعه ما امنیت ندارد و این نشانه بیماری اقتصادی جامعه ماست. به نظر می‌رسد وجود بی‌نظمی‌های اقتصادی و اجتماعی و به همراه آن، وجود ثروت‌ها و موقعیت‌های بادآورده،

شان اجتماعی معلمان را تنزل داده سبب آن شده است که گروه‌های بی‌هویت در جایگاهی بالاتر از معلمان قرار گیرند؛ برای مثال، شغل آزاد که ماهیت چندان مشخصی هم ندارد، در جامعه ما اهمیت و ارزش خاصی پیدا کرده است. گاهی دیده می‌شود افراد با تبختر خاصی اعلام می‌کنند که در شغل آزاد اشتغال دارند. در مقابل این افراد، کارمندان دولت وقتی شغل خود را اعلام می‌کنند، مفاهیمی به کار می‌برند و حالتی به خود می‌گیرند که ظاهراً به نظر می‌رسد احساس افتخارآمیزی به آنان دست نمی‌دهد و حتی گاهی نوعی احساس شبیه به حقارت در آن‌ها پدیدار می‌گردد. معلمان هم از کارمندان دولت و حتی محروم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شوند.

بنابراین با استقرار انضباط اجتماعی و اقتصادی می‌توان منزلت اجتماعی معلمان را ارتقا داد. مصاحبه‌شونده‌ها و معلمان مورد مطالعه با این نظر موافق‌اند. حدود ۹۸ درصد معلمان مورد مطالعه و همه صاحب‌نظران مصاحبه‌کننده اعتقاد دارند که توزیع عادلانه درآمدها و فرصت‌ها می‌تواند منزلت اجتماعی معلمان را ارتقا دهد.

۷- افزایش کارایی نظام آموزشی از طریق اصلاح مدیریت نیروی انسانی

شواهد موجود نشان می‌دهد که مدیریت نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش به مشکلات متعددی دچار است. صاحب‌نظران مورد مصاحبه اعتقاد دارند که در آموزش و پرورش، انتصاب‌ها براساس معیارهای علمی و تخصصی انجام نمی‌پذیرد، ملاک‌های ارزش‌یابی مناسب نیست و حتی التزام به رعایت ملاک‌های ارزش‌یابی وجود ندارد؛ نظام شایسته‌سالاری حاکمیت ندارد و توزیع فرصت‌ها در میان کارکنان آموزش و پرورش عادلانه نیست. حدود ۹۴ درصد معلمان مورد مطالعه هم معتقدند که مدیریت نیروی انسانی در آموزش و پرورش مطلوب نیست و این امر موجب

تنزل منزلت اجتماعی معلمان شده است؛ چرا که کارایی نظام آموزشی در اثر ضعف مدیریت نیروی انسانی کاهش یافته و بدیهی است که مردم بدون دلیل به عاملان نظامی که کارآمد و اثربخش نیست، احترام نمی‌گذارند.

اصولاً نظام‌های بزرگ اداری، کارایی کمی دارند. نظام آموزش و پرورش ایران نیز بسیار متمرکز، بزرگ و پراکنده است؛ بنابراین، امکان مدیریت مطلوب فراهم نیست و کارایی نظام همواره پایین است. در چنین شرایطی، شغل معلمی آسیب‌پذیر می‌شود و ارزش خود را از دست می‌دهد. حتی نظام تعلیم و تربیت از توجه به عوامل خود (معلمان) غافل می‌شود و این غفلت، شأن معلم را باز هم تنزل می‌دهد؛ زیرا به قول معروف، "احترام امامزاده به متولی آن است".

مدیریت نیروی انسانی شامل گزینش، آموزش و نگهداشت نیروی انسانی است. درباره گزینش و تربیت معلم قبلاً به طور مفصل بحث شد. در این جا محور بحث ما نگهداشت نیروی انسانی است. یاری (۱۳۷۵) می‌گوید: افراد باید در مقایسه پاداش‌های خود با دیگر افراد سازمان که از نظر شغلی مساعی مشابهی دارند، احساس عدالت کنند. در غیر این صورت، افراد احساس نابرابری می‌کنند و سازمان را مجموعه‌ای می‌دانند که در آن بی‌عدالتی و حق‌کشی حاکم است؛ بنابراین، باید بین رفتار و دریافت پاداش، رابطه روشنی وجود داشته باشد و کارمند باید این رابطه را درک کند. ادراک نبود عدالت تأثیر نامطلوبی بر کارکنان می‌گذارد که ممکن است باعث شود آن‌ها سازمان را ترک کنند یا برای کاهش آثار نبود عدالت به مشارکت کم‌تر، غیبت، کار ضعیف‌تر خلاقیت کم‌تر و ترک محل کار یا استعفا متوسل شوند (یاری، ۱۳۷۵).

براساس نتایج پژوهش حاضر و شواهد پژوهشی دیگر، می‌توان گفت که استفاده مناسب از منابع موجود در نظام تعلیم و تربیت، اعمال انضباط شایسته و ایجاد رابطه روشن میان پاداش‌ها و عملکرد، توزیع عادلانه فرصت‌ها و پرهیز

از اعمال تبعیض در میان معلمان و به طور کلی ارزش‌یابی دقیق، علمی و منصفانه از عملکرد معلمان و تقویت شایستگیان موجب افزایش کارایی نظام آموزشی می‌شود و در اثر آن، شأن و جایگاه عاملان اصلی این نظام - یعنی معلمان - ارتقا می‌یابد.

خلاصه یافته‌ها و پیشنهادها

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که منزلت اجتماعی معلمان تهران نسبتاً پایین است و معلمان مورد مطالعه منزلت خود را پایین ارزیابی کرده‌اند. اکثر مصاحبه‌شوندگان هم اعتقاد دارند که معلمان، به ویژه در تهران منزلت بالایی ندارند. بر اساس مجموع نظریات معلمان مورد مطالعه و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و نیز به کمک یافته‌های سایر پژوهش‌های انجام شده، راه‌هایی برای ارتقای منزلت اجتماعی معلمان مشخص شد. راه‌کارهای عمده برای ارتقای منزلت اجتماعی معلم را به شرح زیر خلاصه می‌کنیم و به عنوان پیشنهادهای این پژوهش به مخاطبان مربوط ارایه می‌دهیم.

- ۱- ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت از طریق تغییر سیاست‌های کلان کشور در جهت اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت.
- ۲- تأمین امکانات رفاهی و رفع فقر و محرومیت از زندگی معلمان.
- ۳- اصلاح شیوه‌های گزینش و تربیت معلم و تلاش برای جذب و پرورش معلمان شایسته و با کفایت.
- ۴- اجرای سیاست تمرکززدایی و فراهم کردن زمینه مشارکت همه جانبه معلمان در آموزش و پرورش.
- ۵- ایجاد تشکل‌های صنفی برای دفاع از حقوق معلمان و حریم تعلیم و تربیت.
- ۶- استقرار انضباط اجتماعی و اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی.

۷- افزایش کارایی نظام آموزشی از طریق اصلاح مدیریت نیروی انسانی و استقرار نظام شایسته‌سالاری.

۸- سخت‌کوشی و تلاش مسؤولانه معلمان برای افزایش دانش، تخصص، انگیزش، مناعت طبع و سایر صلاحیت‌های حرفه‌ای و در عین حال، پرهیز آنان از کم‌کاری، فرار از مسؤولیت، مظلوم‌نمایی و تحریک حس ترحم دیگران.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش، همانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی دارد که توجه به آن‌ها ضروری است. یافته‌های این پژوهش بر "این‌جا" و "اکنون" نظر دارد و قابلیت تعمیم آن محدود است. نتایج این پژوهش را بنا به دلایل زیر، نمی‌توان به مناطق دیگر کشور و نیز معلمان زن تعمیم داد.

۱- تهران، پایتخت ایران است و در این شهر افراد و گروه‌هایی زندگی می‌کنند که به طبقات بالای جامعه متعلق‌اند و نسبت به معلمان از ثروت، قدرت، تحصیلات، دانش، تخصص و رفاه بیش‌تری برخوردارند.

۲- معلمان هنگام ارزیابی منزلت اجتماعی خویش گرایش دارند خود را با دارندگان مشاغل بالا (مقامات سیاسی، پزشکان متخصص، مهندسان ارشد، صاحبان مؤسسات تولیدی و...) مقایسه نمایند و لذا منزلت خود را پایین‌تر از متوسط ارزیابی می‌کنند.

۳- آموزش و پرورش محیط مناسبی برای زنان محسوب می‌شود. از این رو، بسیاری از زنان وابسته به طبقات بالا و متوسط جامعه جذب آموزش و پرورش شده‌اند. از طرف دیگر، فرصت‌های شغلی برای زنان نسبتاً محدود است و درصد قابل توجهی از زنان، خانه‌دارند. علاوه بر این، با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه، عوامل تعیین‌کننده منزلت اجتماعی زنان با مردان متفاوت است؛ برای مثال، داشتن درآمد بیش‌تر برای زنان به اندازه مردان اهمیت ندارد.

پی‌نوشت‌ها

- 1-Social status
- 2-Anton De Grauwe
- 3-Maslow,H.Abraham

فهرست منابع و مآخذ

- آریان‌پور، امیرحسین (مترجم): *زمینه جامعه‌شناسی* (تألیف آگ‌برن و نیم‌کوف) چاپ‌دهم، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶.
- ابیضی، حجت‌ا...؛ بررسی نیازهای مادی و معنوی (عزت نفس) معلمان و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (گزارش تحقیق)، تهران، اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران، ۱۳۷۶.
- اطلاعات؛ جایگاه معلم در نظام اسلامی، روزنامه کیهان، دوشنبه، ۱۲ اردیبهشت ۷۹.
- الیاسی، م؛ *تشکل‌های صنفی و جریانات سیاسی، معلم، سازمان معلمان تهران*. شماره ۶، خرداد ۷۹.
- امین‌ورزلی، نصرالدین؛ معرفی و تبیین نظام یافته تربیت معلم آموزش و پرورش ایران، رشد معلم سال هجدهم، شماره هفت، اردیبهشت ۷۹.
- براهنی، محمدنقی؛ *روش‌های گزینش معلم در ایران* نشریه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره پنجم شماره اول و دوم، ۱۳۵۴.
- پناهی، حسینعلی؛ *بررسی علل عدم رغبت دانش‌آموزان ممتاز برای ادامه تحصیل در رشته‌های دبیری و مراکز تربیت معلم* (گزارش تحقیق)، تبریز، اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی، ۱۳۷۳.
- پورنجاتی، احمد؛ *مصاحبه مطبوعاتی، روزنامه همبستگی*. ۲۸ اسفند ماه ۷۲.

- جواهر فروش زاده، عبدالرحیم؛ دیدگاه‌های اساسی در تربیت معلم در ایران. خلاصه مقالات چهارمین سمپوزیوم جایگاه تربیت: نقش تربیتی معلم. تهران وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، ۱۳۷۲.
- جی‌واد، رقیه؛ بررسی پایگاه اجتماعی معلمان از دیدگاه خودشان (گزارش تحقیق)، ایلام، اداره کل آموزش و پرورش، ۱۳۷۴.
- حضرتی، حجت؛ چرا معلمان الگوی دانش‌آموزان نیستند؟ روزنامه همشهری سه‌شنبه، ۱ شهریور ۷۹.
- خاتمی، سید محمد؛ سخنرانی، ویژه‌نامه معلم، سیزدهمین یادواره بزرگداشت مقام معلم. تهران، وزارت آموزش و پرورش، ستاد بزرگداشت مقام معلم، ۱۳۷۶.
- خزایی، علیرضا؛ شأن و منزلت اجتماعی معلمان، بیم‌ها و امیدها. چکیده مقاله‌های برگزیده همایش معلم، جامعه و مسئولان. اصفهان، اداره کل آموزش و پرورش، ۱۳۷۹.
- دهقان، داریوش (مترجم)؛ گزارش همایش بین‌المللی بانکوک (۱۹۹۵) مقاله، ۱۳۷۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛ سند برنامه سوم توسعه کشور، ۱۳۷۸.
- شاهد، علی؛ جذب نیروی انسانی در آموزش و پرورش معلم. سازمان معلمان تهران، نیمه دوم مهر ماه، شماره ۹، ۱۳۷۹.
- شکاری، عباس؛ مطالعه تطبیقی نظام تربیت معلم چین و ایران بعد از انقلاب مربوطه، خلاصه مقالات چهارمین سمپوزیوم، جایگاه تربیت: نقش تربیتی معلم. تهران، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، ۱۳۷۲.
- شعبانی، حسین؛ بررسی جایگاه اجتماعی معلمان ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از دیدگاه خود آنان و اولیای دانش‌آموزان (گزارش تحقیق)، سمنان، اداره کل آموزش و پرورش، ۱۳۷۸.

- صادق‌پور، جمال؛ علل گرایش جوانان به مرکز تربیت معلم، خلاصه مقالات چهارمین سمپوزیوم جایگاه تربیت: نقش تربیتی معلم. تهران، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، ۱۳۷۲.
- صافی، احمد؛ سیمای معلم (چاپ اول)، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.
- غلامی، ه؛ وضع کنونی آموزش و پرورش و سیمای آینده. روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۲ اردیبهشت، ۱۳۷۹.
- قره‌آغاجی، سلیم و همکاران؛ همبستگی مشکلات اقتصادی و اجتماعی معلمان با تعلیم و تربیت دانش‌آموزان آذربایجان شرقی (گزارش تحقیق)، تبریز، اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی، ۱۳۶۷.
- کاردان، علی‌محمد؛ علل تنزل مقام معلم در جامعه، نشریه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران. دوره پنجم، شماره ۲۱، ۱۳۵۴.
- محمدی، فریبرز (مترجم)؛ به سوی الگویی تازه از تربیت معلم (تألیف روزاماریا تورس)، تهران پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۷.
- مختاری، سید احمد؛ نحوه تجلیل از مقام معلم در پیشبرد اهداف برنامه‌های آموزش و پرورش در دیستان‌های استان مرکزی (گزارش تحقیق)، اراک، اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی، ۱۳۷۲.
- مینو، سید محمد؛ بررسی میزان علاقه دانش‌آموزان مراکز تربیت معلم و دانش‌سراها به حرفه معلمی و مشکلات و تنگناهای واحدهای آموزشی مذکور در جواب‌گویی به انگیزه آنان (گزارش تحقیق)، زنجان، اداره کل آموزش و پرورش، ۱۳۷۲.

- یاری، حیدر؛ بررسی تأثیر نظام هماهنگ پرداخت کارکنان بر جذب و نگه داشتن نیروی آموزشی مناطق محروم آموزش و پرورش استان لرستان (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، ۱۳۷۵.

-Grauwe, AD (1998) changing teachers for a changing world (report) paris: UNESCO/ International Institute for Educational planning: IIEP Newsletter/ April-June 1998.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی